نجات ۳۲۴ نفر در سیل هرسین

نیروهای امدادی هلال‌احمر ۳۲۴ فرد گرفتار در سیلاب هرسین را نجات دادند. به گزارش جام جم، بارش شدید باران چهارشنبه‌شب و بالا آمدن سطح آب معابر و خیابان‌ها و جاری شدن سیلاب درسطح شهرستان هرسین ،باعث آبگرفتگی در روستاهای کهریز، چغاسعید و داوودی علیا شد. ۱۱تیم عملیاتی از هلال‌احمر و دیگر نیروهای امدادی بیستون، صحنه و هرسین به این مناطق اعزام شدند. نیروهای امدادی ، سیلاب را از ۲۸ خانه تخلیه کردند. همچنین ۳۰۰ رأس دام در روستای داوودی علیا به علت ریزش کوه و سیلاب تلف و تعدادی از واحدهای مسکونی هم دچارآبگرفتگی شد. راه ارتباطی سه روستا نیز قطع شد. براثر وقوع سیل به ۱۵ خانوار در روستاهای فوق خسارت‌هایی وارد شد که کارشناسان در حال ارزیابی و برآورد میزان این خسارات هستند.همچنین سیل دو دستگاه خودروی تیبا و وانت پیکان در روستای چغاسعید را که در بستر رودخانه قرار داشتند با خود برد که خوشبختانه سرنشینی داخل‌شان نبود.

سناریوی عجیب مرد جوان بعد از قتل همسر سابقش

راز مرد جوان که بعد از قتل همسر سابقش، با صحنه‌سازی قصد داشت قتل را زورگیری نشان دهد با بررسی‌های کارآگاهان پلیس آگاهی البرز فاش شد. متهم بعد از قتل نوعروس خودزنی کرده بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، در آخرین روزهای شهریور امسال مرد جوانی در حالی که غرق در خون بود، خود را به مقابل ایستگاه پلیس در جاده چالوس رساند و برای نجات جان خودش و نامزدش درخواست کمك کرد و بعد روی زمین افتاد. مامور پلیس با دیدن این صحنه سریع درخواست آمبولانس کرد و دقایقی بعد با حضور امدادگران اورژانس در محل، مشخص شد، زن جوان در داخل خودروی تیبا بر اثر شدت خونریزی جانباخته است، اما مرد جوان هنوز نفس می‌کشید که او را سریع به بیمارستان منتقل کردند.

با گزارش ماجرا به بازپرس جنایی کرج، او همراه تیمی از کارآگاهان پلیسی آگاهی البرز در محل قتل حاضر و تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد، زن جوان بر اثر اصابت ضربه‌های چاقو به پشت کمرش و خونریزی شدید جانباخته است.

آثار خون در داخل خودرو و روی صندلی‌های جلو نشان می‌داد، درگیری مرگبار در داخل خودرو رخ داده و مقتول قدرت مقاومت نداشته است. با بررسی خودرو، جسد به پزشکی قانونی منتقل و تیم جنایی راهی بیمارستان شدند تا وضعیت مرد جوان را بررسی کنند.

مرد ۳۰ ساله به نام شروین که با تلاش پزشکان از مرگ نجات پیدا کرده بود بعد از بهبود حالش در تشریح ماجرا گفت: من و لیلا چندی قبل عقد کردیم، اما به خاطر مشکلاتی از هم جدا شدیم و طلاق گرفتیم. چند روز قبل تصمیم گرفتیم مشکلات را حل کنیم و دوباره با هم زیر یك سقف برویم. به همین خاطر روز حادثه برای صحبت کردن از تهران به جاده چالوس آمدیم. در کنار جاده توقف کرده و در حال صحبت بودیم که مرد موتورسواری مقابل خودروی ما توقف کرد و به سمت من آمد و با تهدید چاقو موبایلم را خواست. در برابرش مقاومت کردم که ابتدا مرا با چاقو زد و بعد سراغ نامزدم رفت و او را هم با چاقو مجروح کرد و گریخت. به‌سختی تا مقابل ایستگاه پلیس رانندگی کردم و ماجرا را گزارش کردم.

پس از این اظهارات ماموران به بررسی دوباره صحنه درگیری پرداخته، اما متوجه شدند در آن زمان موتوری از آن منطقه عبور نکرده و اظهارات مرد جوان با واقعیت صحنه جرم همخوانی ندارد به همین خاطر بعد از مرخص شدن شروین از بیمارستان او دوباره به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. مرد جوان این بار هم ادعاهای قبلی را تکرار کرد، اما وقتی با دلایل پلیسی روبه‌رو شد به قتل اعتراف کرد و گفت: من عاشق لیلا بودم و زندگی بدون او برایم سخت بود. به همین خاطر بعد از جدایی دوباره سمت او رفتم، اما فکر این‌که او با مرد دیگری هم ارتباط دارد عذابم می‌داد. همین سوءظن باعث شد روز حادثه تصمیم بگیرم با لیلا صحبت کنم. او وقتی حرف‌هایم را شنید، گفت اشتباه می‌کنم و این یك سوءظن است. نمی‌دانم چرا در یك لحظه کنترلم را از دست دادم و سر او را به سمت پایین کشیدم و با چاقو به پشت او چند ضربه زدم. وقتی به خودم آمدم که دیر شده بود. تنها راهی که به ذهنم رسید خودزنی بود. با چاقو ضرباتی به بدنم وارد کردم و بعد هم سناریوی دزدی موبایل را طراحی کردم.

سوءظنی که به خشم منجر شد

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز با اشاره به اعترافات مرد جوان به قتل همسر سابقش در این باره به جام‌جم گفت: پس از گزارش این قتل، با روش‌های علمی و بررسی صحنه جرم متوجه شدیم مرد جوان واقعیت را تعریف نکرده و به او شك کردیم که همین شك باعث شد راز جنایت فاش شود. مرد جوان به قتل اعتراف کرده و تحقیقات برای مشخص شدن محل دقیق قتل ادامه دارد تا حوزه رسیدگی به پرونده مشخص شود. با توجه به زمان مرگ زن جوان این احتمال وجود دارد که او در تهران به قتل رسیده باشد.

وی در ادامه هشدار داد: متاسفانه سوءظن و ناتوانی در کنترل خشم یکی از دلایل وقوع قتل در کشور است. افراد در برابر سوءظن نباید از رفتارهای خودسرانه استفاده کنند و گاهی این شك ناشی از یك بیماری است که باید درمان شود. برخی افراد در جامعه آستانه تحمل پایینی دارند و هنگام عصبانیت، نمی‌توانند خشم خود را کنترل کنند و مرتکب رفتارهایی می‌شوند که بعد فروکش کردن خشم، فقط افسوس و پشیمانی باقی می‌گذارد.

تیزهوشی خواهر، جنایت پرستار خانگی را فاش کرد

راز قتل مرد تنها در قرص‌های خواب‌آور

پرستار خانگی که برای سرقت، مرد ۶۱ ساله را با ۳۰ قرص خواب‌آور به کام مرگ برده بود بعد از شش ماه به قتل اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تیر ماه امسال زنی با مراجعه به شعبه هفتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران مدعی شد برادر ۶۱ ساله‌اش به طرز مشکوکی فوت کرده و احتمال می‌دهد او قربانی جنایتی شده باشد. بررسی شکایت این زن نشان داد، دوازدهم دی ماه سال گذشته صابر ۶۱ ساله بر اثر بیماری فوت می‌کند و بعد از صدور جواز دفن، جسد دفن می‌شود. بعد از شش ماه از مرگ صابر، خواهرش برای تمیز کردن خانه برادرش به آنجا می‌رود و با داروهای خواب‌آوری روبه‌رو می‌شود. این در حالی بود که صابر به خاطر بیماری‌اش نمی‌توانست داروی خواب‌آور مصرف کند. همین موضوع باعث شك وی به مرگ برادرش شده و درخواست بررسی آن را داشت.

پرونده برای رسیدگی به اداره دهم پلیس آگاهی تهران ارسال شد و ماموران در ابتدا به تحقیق از شاکی پرداختند که او اظهار کرد: برادرم به علت بیماری یك پرستار جوان به نام فریبا ۳۵ ساله را از طریق یك شرکت خدماتی استخدام کرده بود و این زن حدود یك ماه در منزل برادرم حضور داشت تا این‌که دوازدهم دی ماه سال گذشته با ما تماس گرفت و خبر فوت برادرم را داد و هیچ اطلاعی دیگر از او نداشتیم. وقتی منزل برادرم را بررسی می‌کردم متوجه شدم اموالی از قبیل اسناد و مدارك هویتی برادرم به سرقت رفته است و در این رابطه به فریبا مظنون هستم.

کارآگاهان در ادامه برای تحقیق از فریبا راهی شرکت خدماتی شده و متوجه شدند، فریبا به‌خاطر اعتیاد شدیدی که به موادمخدر داشت از آنجا اخراج شده است. او بعد از اخراج به شرکت دیگری رفته که از آنجا هم به خاطر سرقت اخراج شده است.

با افشای این موضوع احتمال قتل صابر هم قوت گرفت. به همین خاطر تجسس‌ها ادامه یافت تا این‌که روز پنجشنبه فریبا در محدوده شرق تهران دستگیر شد و در بازجویی‌ها به قتل صابر اعتراف کرد.

زن جوان درباره انگیزه‌اش از قتل گفت: اعتیاد شدیدی به موادمخدر داشتم و از شهرستان برای کار به تهران آمده بودم. در یك شرکت خدماتی که مشغول به کار شدم آنها مرا برای کار به خانه صابر فرستادند. بر اساس قرارداد، هر روز باید برای پرستاری به خانه صابر می‌رفتم و کارهای او را انجام می‌دادم. قراردادم سه ماهه بود و از آذر ماه شروع شد. به خاطر اعتیاد و بی‌پولی تصمیم به سرقت از خانه این مرد گرفتم. به همین خاطر ۳۰ قرص خواب‌آور خریدم و داخل شام او ریختم. بعد از شام به خواب عمیق رفت که یك میلیون تومان پول و اسناد و مدارك سرقت کرده و شب همانجا خوابیدیم. صبح که بیدار شدم، حال صابر خوب نبود و با اورژانس تماس گرفتم، اما وقتی امدادگران آمدند دیر شده بود و او فوت کرد. با خواهر صابر تماس گرفتم و مرگ او را اطلاع دادم و از ترس گریختم.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: کارآگاهان در شاخه دیگر از تحقیقات پلیسی دریافتند، صابر روز قبل از فوتش با پلیس ۱۱۰ تماس گرفته و گزارش سرقت از خانه توسط فریبا را به پلیس اعلام کرده بود. در حال حاضر متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

۲۰۰ غرفه بازارچه ساحلی دیلم خاکستر شد

آتش‌سوزی بازارچه ساحلی بندردیلم باعث آتش گرفتن و سوختن ۲۰۰ غرفه در آنجا شد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح پنجشنبه دهم مهر امسال، آتش‌سوزی در بازارچه ساحلی بندر دیلم که در بخش شمالی استان بوشهر قرار دارد، رخ داد. بعد از تماس غرفه‌داران با آتش‌نشانی، گروه‌های امدادی در محل حاضر شدند. با توجه به کمبود تجهیزات آتش‌نشانی، از اداره بندر شهرستان دیلم و شرکت‌های نفتی اطراف و استان‌های خوزستان و کهگیلویه‌وبویراحمد برای مهار آتش درخواست کمك شد و نیروهای امدادی و آتش‌نشانی دیگر هم در محل حاضر شدند. عملیات آتش‌نشانی تا ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه ظهر همان روز ادامه داشت. در این حادثه به کسی آسیب نرسید، اما تعدادی از آتش‌نشانان و نیروهای مردمی هنگام عملیات دچار دودگرفتگی شده و روانه بیمارستان شدند. همچنین ۲۰۰ غرفه این بازارچه و وسایل موجود در آن در میان شعله‌های آتش سوخت و از بین رفت و خسارت‌های مالی زیادی برای غرفه‌داران برجای گذاشت.

علت این آتش‌سوزی از سوی کارشناسان سازمان آتش‌نشانی بوشهر در حال بررسی است و بعد از پایان تحقیقات، در این باره اعلام نظر خواهند کرد.

محمد ضیائی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان دیلم استان بوشهر در این باره گفت: پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شده و برای روشن شدن علت و ابعاد آتش‌سوزی، دستور قضایی صادر شده است. یك نفر دستگیر و پس از تحقیقات لازم، وی آزاد شده و تحقیقات ادامه دارد. چنانچه آتش‌سوزی بازارچه ساحلی بندر دیلم عمدی باشد، دستگاه قضایی براساس قانون با عاملان و مقصران حادثه قاطعانه برخورد خواهد کرد. صاحبان این ۲۰۰ غرفه‌ای که در آتش سوخته است، افراد ساحل‌نشین هستند که به دلیل بضاعت مالی، توان اجاره مغازه را نداشته و تنها راه امرارمعاش آنها از طریق برپایی بازارچه موقت بوده است.

ضارب مامور جوان پای میز محاکمه

پرونده نگهبان شیشه‌ای یك اداره دولتی که با شلیك به مامور پلیس او را دچار نقص عضو کرده بود، برای محاکمه به دادگاه ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، فرشید ۳۷ ساله متهم است که در جریان درگیری با ماموران کلانتری ابوذر تهران، سحرگاه بیست و دوم فروردین سال ۹۷ مامور جوانی را هدف شلیک گلوله قرار داد و باعث نقص عضو او شد. او با گذشت دو سال از این ماجرا برای آخرین جلسه تحقیقات قضایی به شعبه پنجم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و به بازپرس محمد جواد شفیعی گفت: «متاهلم و فرزند دارم. سال‌ها نگهبان اداره دولتی بودم، اما به خاطر اعتیادم به شیشه اخراج شدم و خرید و فروش سلاح را آغاز کردم. صبح بیست و دوم فروردین سال ۹۷ سلاح کلتی که سال‌ها قبل خریده بودم را برداشتم و برای فروش آن و خرید شیشه از خانه بیرون رفتم. حوالی محله فلاح متوجه گشت موتوری کلانتری ابوذر شدم. پشت خودروی پیکان سفیدی در خیابان پنهان شدم که ماموران به من مشکوك شدند. یکی از ماموران سراغ من آمد. خودم را به بیماری زدم که مامور رهایم کند و بتوانم فرار کنم که نشد. او می‌خواست مرا مورد بازرسی بدنی قرار دهد که متوجه سلاحم شد. ترسیدم و سلاح را درآوردم که در آن درگیری دستم روی ماشه رفت

و سمت مامور جوان تیری شلیك شد. از ترس فرار کردم و به خانه آمدم. چند بار خواستم تسلیم شوم، اما ترسیدم تا این‌که ماموران دستگیرم کردند. پشیمانم که مامور پلیس با شلیك من دچار نقص عضو شده و سال‌ها باید تحت درمان باشد.

در ادامه خانواده مامور جوان خواستار اشد مجازات برای ضارب پسرشان شدند. متهم بعد از آخرین دفاعیاتش به زندان بازگشت و پرونده وی با صدور جلب به دادرسی بابت خرید سلاح غیرمجاز، اقدام مسلحانه نسبت به مامور، تمرد از مامور هنگام انجام وظیفه، ایراد جرح عمدی به پلیس، حمل و نگهداری سلاح غیر و نیز نگهداری مهمات جنگی و شوکر به دادگاه ارسال شد تا محاکمه شود.

شوهرسابق؛ تنها مظنون قتل زن جوان

پنج ماه بعد از قتل زن جوان در ملارد، شوهر سابق او به‌عنوان تنها مظنون اصلی این جنایت بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ۲۴ اردیبهشت امسال ساکنان خانه‌ای در شهرستان ملارد متوجه بوی نامطبوعی شدند که از خانه‌ای در آنجا به مشام می‌رسید. موضوع را به پلیس خبر دادند و تیمی از ماموران با دستور قضایی وارد این خانه شدند.

وسایل خانه به‌هم ریخته بود و جسد زن صاحبخانه در حالی که خفه شده بود در اتاق خواب پیدا شد.

تحقیقات از همسایه‌ها نشان می‌داد که این زن تنها زندگی می‌کرده، اما شوهر موقتش هرازگاهی به این خانه در رفت و آمد بوده است. در ادامه خانواده مقتول شناسایی و با تحقیق از آنها معلوم شد که مقتول با شوهر سابقش اختلاف داشته و با داشتن سه فرزند از او جدا شده و با مرد دیگری ازدواج موقت کرده بود. در این مرحله از شوهر دوم او تحقیق کردند که معلوم شد، او در زمان قتل در محل دیگری بوده است.

در شاخه دیگری از تحقیقات مشخص شد، شوهر سابق مقتول حتی بعد از جدایی نیز با او اختلاف داشته و بارها وی را به مرگ تهدید کرده بود. بنابراین این مرد به‌عنوان اصلی‌ترین مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و با گذشت پنج ماه از جنایت چند روز پیش در خانه‌اش در تهران بازداشت شد. او برای تحقیقات اولیه نزد مصطفی واحدی، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: من سال‌ها با مقتول زندگی کرده بودم. ثمره زندگی‌مان دو پسر خردسال و یك دختر نوجوان است. اختلاف‌های خانوادگی‌مان زیاد بود، حتی همسرم مهریه‌اش را به اجرا گذاشت که با شکایت وی زندان افتادم و بعد از یك سال با پرداخت بخشی از مهریه آزاد شدم. بعد از جدایی حضانت بچه‌ها را گرفتم، اما وقتی فهمیدم دوباره ازدواج کرده دیگر اجازه ندادم بچه‌ها را ببیند. با او اختلاف داشتم، اما نقشی در مرگ او نداشتم و نمی‌دانم چه کسی او را کشته است.

پس از بازجویی از این مرد، به‌دلیل این‌که جنایت در ملارد رخ داده بود، تنها مظنون پرونده در اختیار پلیس آگاهی شهرستان ملارد قرار گرفت.

کوتاه از حوادث

- غواصان آتش‌نشانی سردشت دو جوان گرفتار در آب مخزن سد را از مرگ نجات دادند. این دو جوان ۱۹ و ۲۰ ساله در آب‌های سد سردشت در حوالی پایین‌دست پل شهدا برای شنا رفته بودند که گرفتار شدند. همزمان با حضور غواصان آتش‌نشانی در محل و تلاش یک ساعته آنها، این دو جوان را از آب بیرون آورده و نجات دادند.
- واژگونی کامیونت ایسوزو در شهرستان لالی، ۸ مصدوم برجای گذاشت. این کامیونت حامل یک خانوار عشایری بود که از مناطق ییلاقی به لالی برمی‌گشتند که خودرو واژگون و این تعداد دچار مصدومیت و روانه بیمارستان شدند.
- یکی از مرزداران استان سیستان و بلوچستان در منطقه مرزی سیرکان به شهادت رسید. استواریکم بهروز هراتی مقدم از مرزداران هنگ مرزی سیرکان بود که هنگام پاسداری و حراست از مرزهای کشورمان به شهادت رسید. او اهل شهرستان هامون، روستای فیروزه‌ای و دارای یک فرزند دختر ۸ ماهه است.
- دو مرد اعدامی که به خاطر جنایت‌های جداگانه‌ای در زندان برازجان به سر می‌بردند، بخشیده شدند. این دو اعدامی هرکدام بیش از پنج سال بود که به خاطر جنایت‌های‌شان در زندان بودند. قرار بود به‌زودی حکم آنها اجرا شود که با تلاش واحد صلح و سازش دادگستری برازجان و مددکاران زندان رضایت خانواده مقتولان جلب شد و بخشیده شدند.
- صاعقه درشوش منجر به مرگ سه نفر شد. وقوع صاعقه‌زدگی دو برادر ۲۵ و ۳۶ ساله موتورسوار در روستای شیخ شجاع از توابع دهستان چنانه بخش فتح‌المبین، شهر شوش به اورژانس گزارش شد. امدادگران برای نجات آنها در محل حاضر شدند که یکی از آنها فوت کرده بود و دیگری به بیمارستان منتقل شد که در آنجا فوت کرد. همان روز پسر ۱۴ ساله‌ای هم ساکن روستای کاظم حمد از توابع بخش شاوور شوش براثر صاعقه‌زدگی فوت شد.
- مردی که فرزند معتادش را به قتل رسانده بود ، تسلیم پلیس شد . فردی با پلیس شهر کرمانشاه تماس تلفنی گرفت و خبرداد دریکی از روستاهای بخش کوزران تیراندازی رخ‌داده و فردی زخمی شده است. مأموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند که معلوم شد مرد ۴۹ ساله‌ای با پدر خود درگیر و با شلیک گلوله او کشته‌شده است. بعدازاین جنایت ، پدر خانواده خود را تسلیم پلیس کرد. با تحقیق از متهم پرونده معلوم شد پسرش معتاد بوده و بارها برای خرید شیشه از وی پول می‌گرفته است. آن روزهم پسرش برای دریافت پول به مقابل خانه او آمده و اقدام به سنگ‌پرانی و ایجاد مزاحمت برای دیگر اهالی خانه کرده است. در ادامه پدر خانواده که از دست پسر معتادش به ستوه آمده بود ،برای دور کردن وی از خانه به سمت او تیراندازی کرد که گلوله به فرزندش اصابت کرده منجر به مرگ وی شد.
- جسد مرد جوان که داخل چاه ۲۵ متری افتاده بود ، کشف شد. سقوط فردی به داخل چاه به ایستگاه ۱۳۲ و گروه‌های امداد و نجات ۶ گزارش شد و آتش‌نشانان برای امدادرسانی و در شهرک دولتخواه، بلوار ورامینی حاضر شدند. آنها با استفاده از تجهیزات داخل چاه ۲۵ متری رفته و مردی حدود ۳۵ ساله را که لباس‌به‌تن داشت و فوت کرده بود را یافته و جسد وی را از چاه بیرون آوردند. با توجه به مشکوک بودن مرگ وی ،پلیس تحقیقات درباره این موضوع را آغاز کرده است.
- خودروی سواری پژو ۲۰۰۸ که در ورودی اصلی ساختمان نیمه‌کاره ۱۷ طبقه معلق شده بود به کمک آتش‌نشان از محل خارج شد.

سقوط یک خودروی سواری از ارتفاع به ایستگاه ۴۶ آتش‌نشانی گزارش شد و آنها به خیابان نوفل‌لوشاتو، بعد از تقاطع حافظ که محل حادثه بود، اعزام شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد خودروی سواری پژو ۲۰۰۸ بدون سرنشین در ورودی اصلی یک ساختمان نیمه‌کاره ۱۷ طبقه به دلیل نامعلوم به حرکت درآمده و در یک طبقه پایین‌تر به‌صورت معلق و ناایمن متوقف‌شده است. در ادامه این عملیات خودرو را به محل اصلی برگردانده و از ساختمان خارج کردند و تحویل مالک آن دادند.